

کوہستان

موضوع حمل و نقل گردنستان

اگر میخواهید تنزیقی در بیهاء اجنباس حاصل شود و آمد و رفت کردستان آسانتر شود به موضوع حمل و قتل باید توجه داشته باشد

خوازه‌ها پار و چندین دلار کارهای
بر طبقه‌تیغه دوزن یا میکتن کوشیده‌ای
است که بیشتر مردم اذ از استفاده
میشنند.
忿ضی که بهزاده نسبتاً از طریق
به کردستان سفرت کنیم از این‌جا
پسندان ناگیری از سوچ چند روزه
است تا آن‌قدر سفارت و پار ماضی خود
که انتها هر سهار کارآمد و سراسر
توپی را پایان داده و پوش اوضاع
آن‌بیوسیوی کردستان سر کرد آن‌جا
حال برای این نتیج نوق در میان
هر سفارتی چندار پایه شرق بگنجن و چند
نهایت درجه است.
نهایت زندگی با پایان آوردن
کردیم و پایانیم و سیمیر که وضع حمل
و دری و از این‌جا مقرمانه و برومند
قدرتی طولانی شده بود تو پیش بینی
در این مردم را پایان شماره موکول
اووه و می‌دانم.
و خست بارگانی کردستان را دارم
او لولین ای ای آن دند که روزگار بر ایشان
که اینجا انسان است علاوه بر اینکه
طبع و عیاصی دارد می‌دانم رسیده
می‌گشود که با یکدیگر بازار
کارهای را در این شهر کرته و بدل خود
نمایند. همه می‌دانم قسم مهاتم
که اینها می‌دانند.

متوسلت آن را پیده و زارت
نگران بکاراند
شکردا ورثت از این شکر میتوان
دو نظر داشت که دروغ نمایند یا که در
پایانش ایران شنست مشوشه و هندرهات
آن تغذیه ایجاد کردند و در عرض چند روزه
ایست آغاز شد اما اکنون اگر کارهای ایجاد شده
از مردم باعهند در نواحی کردستان شنست
شناخته شد اگر در این امر از ارادت و سمت
نگران ایجاد شده اهدافی ایجاد نمایند
لهم دام را من بخود ماده دهد.

هفتہ پر آشوب

سر و سدا و بودن اینکه تیجه آن معلوم شود پیش بایان داشت.

آنچه معمور گفته شد که مسلمانان داده اند و اوضاع نزیری حاصل گردید و در این کار آنها در طوری مسخر کردند که این اتفاق اشغال اسلامی طی مظدوی سیست و این اینسان را در داده که بین المللی در آن حدود روی طورهای داده و رضاخته همous جل و توانی شده است.

با اینکه چون ملامه ای از کردستان به دست آمد و با همان روش بلا تکلیک بیشتر خود گذشت و درین مورد مهدوی میگفت که این اتفاق ایجاد شده برای این انسان بود و باز این اتفاق ایجاد شده برای همه این انسان هم بود.

درین موضع این وقایع را معاً آمیز و پرینز گردید است.

این وقایع بدین معنو دلت و ملت را واریز نموده خود مشغول بادت و اتفاقاً همous میگفت که برای این اتفاق همous میگفت و میگفت که از این بایان میگذرد و میگذرد.

نوری و حلب مردم متفاهم دادند و داده امانت
مشتی کارگر کردند.
ساده شدنی قبول رامج پایان یافته
شروعی هالی کردستان شنیده سودیم
و نظر داشتم که هر چیز این است که بله
امور سریعه با کرمانشاه درین هرود
منش کر شود.
پیروزی که اخلاع داریم این
پیشنهاد هم جلیل خان آذیز دست
وزیر را نموده بود و با مشاهده من
دائم یهود هات چاه عدل بیوشید.
امروز که مسائل درسته و زیری
تک روز است و بالغ آنها بذری بجهد
و محاجه معالله شدت است که و
آتش های نهاده، شنایی حل شده
از دری شکستن نرم خواست روز امس
که از این میانه هر یاری بیشتر خود
آبریم که ورق و نواحه نست مگر
آبر تدریجی
اگر هر قضاایی هفته این بیمار
نم و تابی تحقیق است و تقطیع بیماری
لایی امور از مسائل دشوار دارم
که مسوند و مقایسه بر در محل آن
بهرات کشیده و موقت دارد و راه درده
کل هایز کشت که فک افتاده باشند

شمس خست و زیر بام تام کاردازی و
لایات ایشان فرمت خور و رسیده گردیدن
را نیمده.
ازین چهت سالان طالعویکه
لایام است ملن من روی داده اند
پیشوند روی دنکه بخی کات اساس
از نظر درود میگردد
کما اتفاق بیاند که آن نکات
فرماوش هده نایر فوق امداده اند در حل
اسماء و توجه اینها موضع دارد
ازین چهت است که ضمن متوجه
لورون فرات به ازون غبیر سالانه
 تمام شد از پیش از مهد کردستان را
 از آذربایجان مسد سباب نهاده
 این فرمت سعادت آن منطقه استفاده

کردستان
شنهاره

一八六

که آنرا (در مالا) بگفت اند درست

در مسول بوده است باین منظی که هر سال خانه‌های شهرا شرده از هر شاهه داشتند و از هر شاهه پس از آنکه در بیان داشتند اندک هر ساله هر قریب تر باشند و باید برای این زیارت نو漫ان میشند، شاهزاده این مملکت را بر حسب فتوحات حجاج بلطفه عذری که پیش از صلح و اتفاق که میراث کشور بوده بیکن از ملما و اتفاقه که میراث کشور بوده رخان مغفره نموده در سعدیده داده ایمان صب

گردد و این داد و پیک ایشان را از آنها در خدمات
گردان و سانجام یافته است. شاهزاده مسند امپراتور
همچنان می‌داند که این اخلاق و اخشناد قریب
کنیکار و نفع این اخلاق و اخشناد نمی‌نماید (آنکه از
آنها می‌داند که این اخلاق و اخشناد نمایند) از
آنها منظر و توزیع نموده است که حالا
هم همان شنک و وزن در گردستان
مخصوص و متداول است و مشهور به
آنکه شاهزاده ای از است.

دیگر اینکه در طول سکونتی برای
محل مقام یک سربازخانه ساخته که
کنخا نشان یافته مکان رسانی باز ۲۰ دارد. تخار خاله
که کله این سربازخانه واقع دارد از
پنهانی امامی امامزاده شاه بزرگ است که در
روز سکان غروب آفتاب در آنها
تلارهای زده و کمرانی نادری و از هنرمندان
در بهار ۱۹۸۹ که ناصرالدین شاه

هزار فرنگ که شاهزاده ای را برای تکلیف امور سلکت و تصمیم‌گیری بابت مسلطاتی که بر این اختصار می‌فرماید ۱۰۰ هزارین خان صدر اعظم باو من توسعه و ارتقا را هر چندگاهی داشته باشید چنانچه بود و دادام می‌خواستم این سوابع کش در شانه نهادم و دادم شاهزاده در غربت خود بیانت مکنده است که درستان را به فرزنه خود شاهزاده همه این میزبانی اشتغالالله سپرد و پیکاری و روزات و روم به

سماج میرزا امیل خان علی ۲۰ پادی و اگار
بنیانگذاشت و خود مهندس و دارالخلافه میشود
در همین سال جمع کنیزی از اهالی
کردستان را برای سفر مطہر و امیر میلاد
نهاده بهان نامی را بیدار گذشت اما از آن
پس از حد شیخ‌الاسلام و امیل خان والی
راخواه (پسر امیر شورخان) کام (موبرد) زاده
متوجه پادشاه و اسدآغا و مکرل و آنما
بود. درین سکونت و پیش دستگیری

میان افراد و پیرا افراد بوده‌اند.
من از مردمت شهر یاری از مسافرت
نمی‌نمایم تا ملطف و هنکامه مسافر
خان صدر اعظم خان شورشی مسافر
تو نواری خنثی مغلول این شورش است شاهزاده
کوک و دستات مردمت شوره میں از شش
ساهه توفیق دو شیر ملکه میان سنه
۱۲۹۱ هجری از حکومت کردستان موزول و
کشیده شد. شاهزاده ۲۴ ساله کشیده
بود.

در روز چهارمین ۲۸ مهر سال مورخ
بر اهدای طهماسب میرزا مهدی الدوله
جای از عنوای کنته است.
مرسوم صادق اللئك و فاتح گلگاش
بل و پادشاه اش ای و احمد خان دروغتن
بر هادی میرزا منصور الدوله و آسمان
نهادن میرزا ای ۵۰ به واله ای اشان نوشته
۱۱

از نتیجه چهل درصد رفاه
طبیعت ایرانی وی کسانی بات
ون از نتیجه جالان^۱ که ۱۴۶۶ است
ترفهاد^۲ که ۲۹۰ میلیون^۳ بر یون
رد ۱۱۰۴ میلیون^۴ ماند. چون «طهابسر»^۵
که ۱۱۷ است بیانی رفاه پشتینه و چنین
لشته حاصل شمع ۱۲۸۱ خواهد شد.

شوم املاک کین در مقام ایل مستد هرگز تحویل
اداره ارزانی داده هرگز رو بیان از این تخصیص
میشند و نفع نان از مکن دو هزار که
بدست میباشد این دو هزار با خسارت رسیده
در اینجا فرا او را بروز است اکنچه
از درسین کنم بیش از سه هزار رو از
ملک او و همچنین در تهیه نصفی و سودی
هو و از دین کنم همچو این دو هزار و همچنان
آسوده شهودیان را بسلام برداشته که

مغارج تجهیز و تکلیف معتبرتیات را خود
شناخته ام که فتوح شود پرداخته است
دبیر ایشان از قدم الایام پرم (خانه شمار)

ن پنه ندادست
دشت له قیامت
برن و نواخون
برن هوس روی خدا کم
صیحت و روسی شفای کم
در و روشن اهل دنیا کم
روزه دری زاری بنا کم
شجاعی روزی تراخون
هد و قیامت
اد و اطاعت

مژده سعادت
مژده سعادت
ازادی شفاهات
مت و پیغامون
آذاریه له گیوای هنایا
کسوزردی له هنایا
رس له گنایه له توایا
نم تو خجالت له چوایا
مشل و دفع بلاخور

پیش و خدارت
هل شکار
چوچ تغایر
گردید تغایر
ل تغایر اخوند
فیله اورادی زبانم
خانه نظرسی باز پیام
بوجه معاشرانی بیام
باشند

در رشوه اوقات چنانی
که خرد صوف ملتوی
از تاریخ اجتناسی
که هنروری ملای
هر منی غلبه و راگوون
از نهران ارسال داشته‌اند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

س در پروردی خود پنهان کنید و بخوبی بگوش و
تاریخ از گیر کنید و میتواند دوین
لهمای و فرایس سعی مستغلت نماید که داده است
که در زمان کنونی میتواند همچنان
ن مسلمات از این آن دارد و همیشه از این خواهد
آسوده و باخی اصل پیشنهاد از این تاریخ
که این باره عقده مذکور نمایند و بجز
آنکه میتوانند این مساحت را نمایند و علیا
آنکه باید داده باشند که باید اینها مصروف نموده
باشند از این آن دارد که هزار از این
اسنیست از این در اقطاف خاور و امیر از آن
پس از این هزاره بپرسی از دورانی
که شنا برگزیند از این کجا باید که
آن تاریخ تحقیق و برآوردن تاریخ یافتن
لشکر باید و این مسحه از این ایام که بگردانیم

نذر مطلب سادان الطبل (مطبوع) (دیده)
جدا (کام) اینستم در آورده براوی هر یک نصیحت
از آنها است «فتح اورامان»
گفت از شیر دیج الثاني اسد کم کنی
نهایت بزرگ شود تا زمانی نهضت آنکار
در پیش الثاني ۱۶۸۶-۳ نهای قلمه
لذکر آباد

۱۳۷۵ - ۱۲۸۹ میں منتهی المدت
الله ۶۴ - ۱۲۸۹ - بسکی از ادنامات
مشهد ایمانیہ دادا خواسته (۱۲۸۷)
کیمی ناخوشی و پادر کرمان و روز
کردہ ماہ طول کیکھے است و ملائک
یار دادمات دادوازی (۱۲۸۸)
لیر سخط و غلام خدا علاوه بر خرا
ساکن شہرو دعائی از نایاب خسرو
هر بیان مم عده خاور عاز خانوار بخان
کریم خان داشت خود اور دوست و اخبار
لشکر عالی از این کرکھے است صابان
کشمکش خرس را مظہر شہزادہ سبزہ
کوئی مرد کے سکھ کر کھا اور اسی
قوتوں نیزوادہ تو معلم بیرونی و حرمه
محات خلیفہ و معاشرین مست و دشوار
بیشود خاکہ ارادہ داشت اپنی افزایش
بیشود خلیفہ و مشولین تسلیم کر کرد
قریب امام خوش خواست و مراجعت و اعادہ
قریب و سجن مکونت خود بوجو ساسی
نام بیہت مکونت ۲ آپا اجاہر شد

آکمهای حصر و راثت

ایران ملی و کاتولیک از حمایت اسلامی پیشگاه و نایابه مهدی قصرهانی
دوخواستنی داده اند که بخشی کردن ساختار اسلامی کم میکنند و میتوانند
مشنج قوت کردند و ارتقا و تعمیر کنند و درین سیاست را میگذرانند و میکنند
(نایاب) میباشد برای استفاده از کله تر که منطقی صورت کوچکی هم را و داشت
خواستار دندانه ای را برای انسان سازی میخواهد در رو زو روز این اتفاق میگذرد و زمانه ای
درین میباید اگر کسی و خواهران از این اتفاق میگذرد از این کوهی تا سایه باشد داده کار
مراجعه والا گواهی عالیار و وصیت هم چز رسمن و سری نامز داده
ریس داده کار بخشی کردن شان - شیامی

آقای شریعت و گوانتان آنی سید ابوالفضل صدر در خواسته پادگاه پیش کردستان میگردید که ناطعه خام صدر مقبه دائمی منتهی خود را نموده و از اولین داروغات او منحصر بیکار (ابوالفضل صدر) و سه دسته (شیخ علی) است. از اولین داروغات او را شاهزاده شیرپور به عنوان صدر (باشی) میباشد بایزی استانداره و روان از کلیه که تصرفی مدد و موکب ایضاً حصر و روتخته از شده در مردم ایران به سار پتوانی در روشنایه رسی کنور و روتنامه کوهستان را در ده دشنبه ایضاً از کسی کسی واخوی از دارد و نیز نظر اولین آنکه ناسی نامه باش داد گفته مراجعته والا گواهی صادر و همیش همچو جزو رسی تأثیر دارد. از این دادگاه را دادگاه امنیتی گفتاران، گفتاران و چیزی

طوري خاتم فروتن داد خواستن بادگاه مشک کردستان تقدیم کرد
ملا صالح فروتن مقام دالی منصب قوت نواده
وارث او نصیر پیله (زوجه «خواستن کنده» و سه پسر «مهابی
پهلهان»، هایریون و سه دختر «زمدان» بیهوده «پریله» بوده
یدا فریده امده از مختاران این قوت کشیده و ارت او منحصر به
طوري خاتم «دادره» و دوردبار پوشين - بهلهان - هایریون - و دو خواهر دارد
باشد برای استفاده از ارث رنگ تر که موقیان صدور کويه حصر در وات خواستار
شده
لذا مرادت سه بار متولى در روزنامه کوهستان و روزنامه رسی
کشود درج مسندات تا گری کسی و خواهیم داد از شتر اوین آگهی ترا مسامع
نای دادگاه سارهانه والا گواهی صادر و وصیت هم هر و مسی و مسی شایان

لدارد .
ریس دادگاه بخش کردستان - خمامی
۱-۲

۳۰۱
آگهی حصر و راثت
خواستار شده لدنا مرائب سه بار متواترا
در روزنامه رسی مکور و روزنامه
کوکشنان درج مینیابند اگر کسی
خواهد دارد از نشان اولین آگهی
سه بار یا زیاد کارمندیه والا گواه
سادر و موصی نهاده هم مجز رسی
رسی تایپ نهاده
رئیس دادگاه پیش کردستان سخنه

عزت امیر نامداری در خواسته به
دادگاه پیش کرستان تقدیم که بازو
خانمکه نامداری مخصوصه داشتند هنچ تو
لوده و ارت اور منصره به پلک
هزه امیر و یک دفتر فرمات
میناکه، برای استفاده از کلیه سر که
منتهی باشند کروها نام داشتند
از اینها گام داده و

دو راه عقبت ایران که مورد گواهی
سازمان صدور موافق سر تا ت

آگهی و راث

عتر اف: نامه اداری درخواستی به
دادگاه بخش کردستان تقدیم که با خود
خانکه نامه اداری مبلغی دادلی متنج طوف
نوده و اورت داشت و دین اولین آنکه
در عرض این دادگاه مراجعت و یک دست *«فرمائید»*
میباشد. برای استفاده از کلیه سر که
متوسط پاستناد کروها نامه معلم و
سری ناتیر این دادگاه بخش کردستان شنیده
دیگر دادگاه بخش کردستان نامه معلم و
سری ناتیر این دادگاه بخش کردستان شنیده

دو راه عقبت ایران که مورد گواهی
سازمان صدور موافق سر تا ت

پلام آفای هیاس آزادپور

سایه‌های اینجن ولایت

رابطه بین مالک و رعیت

در کردستان

۶-۴-

از استنچ

مانه و مردم سرگردان میباشند و دوپنجه
در سوی خود هم کاملاً معلوم است ایشان
نظیری بصوصی اهل میباشد اگر همه
میتوانند میتوانند بخواهند که از هر
ایم و از این اقدامات و این سر
گرم هاروی سویه بیلت باشد ولی خوب است
پسورد بایزرسی دیوان کفرهده است
ایشان بدهند های ندوشکاریات و پرسنه
مای خوار باز خود را سرگرم نموده اند
اشناس مطلع اطماره هفته میباشد هلت
توچیان باز بر سرده هم پرسنچی خوب است
است کفرهده دیگر مر بوط پاشان را نکد
تیجیه فرجه اهداف ایشان را نیشند

آموذگاری شیر فرهی سقراز

سالانه سالان گردسان شیرو
نه لکن بلو بون به دشت و گیو
کوره لادمی آزار خوینه و او
بوجه افسر و تاجر و سالار
آغا و پلک زادمی خواه و بی شیر
بونه حمال و سه پان و دریز
روله بویش زیر و آزار خوینه و او
خوت پیارزیده ده رس روکار

اچجن بیداشت محلی گردستان
اوین جله این بهد اشت محلی گردستان
در تاریخ ۵۰/۱۲/۱۳۵۶ معاونت داده اند
مقدم ماهام و یکن با خصوصی گانان بر شکان
مقیم گردسان در منطقه ایان بزرگ از
اچجانپینه طلبانی بسیار هستگاری
سباهان آفانان بر شکان و گک بیداشت
گردستان خود سر انتقام چون آفان
واقع گردید
ایجاد چون این قدم او لیلی گذراوه
ایجاد چون نه قائم کامل از اطراف آفان
برداشته شده بقدم های سرخ خدمتگذاری
بچانمه مقرنون و آفانان همچون مومن
خوش شدند عده مهدی بچانمه کردستان
دوره تائین بیداشت آن سنل آورده
پاک جایز دستگر

حشرت آتی دیگر از اران دید
بخت روزه اند که هشان

ده داده مادر ساری که از ده
موتکیه دستگاههای ساروس را بانده بدان

دیگر مثل از وی و رفاقتان در میسر دایر
کردستان همه اند شاهزاده بچانمه

پرسنچی در درمان ایمهای که کارهای بدان
ایم سرومه و برای کلیات برخان

سیله ایم سکن فرستاد بالشیه برخان
مران شدند بپرسیه بچانمه شوده اند

مشن خدای خدا و شرافت و مجدات
خودشان چون شده بازهند اند مان من

اعاده که تائین اند عود
پس ویکم بکرد و همه و داده همان خون

پس جوان ناکام بایمال شود و خودون
بایمال چون گزگزی سریزیم

درچ رسانیده چند یونه که تیمارس

از گلوس
برای اطلاع اداره کل تکلیفی
آقانی رضاخان شهواری تکرکاران
شکایت میکند: بخدمت سارق مسلح در
واس مادان و مبلغ دوهزار ریال و په
لند و مقداری اثاثه را که از تقریب
شکایتند و در پرسیه بچانمه می درد
پشارت در همان استفت مفعه بیهوده
بطور کسی محتل چنانچه عالیه اند
نگرانیت هموما متواتر میشوند

حال ولایات شدید و همه کارنایی
و پهلوانی برگزیده شدند و زینه های
نشکنند و زمانان بچاره آزاری بطری
و تشویق واقع میگردند
پیاره بیدار از این هزاره زمین و خاله
برهست میرده شود

شکایت دهانه که این از این
ده داده شده بگردانند و کاری
برخایار میبینند ده فرقه و دستگیری
کسی بضم و زمانان بچاره آزاری بطری
کار اینه کنند و تهیه اند دیگر
و اداره امور این ایان آنها هزاره زمین
آن دهست و مطالعه کارهای بدان

دو نهاده که معمور شدند و همه
عطایهای این این ایانهای داده شدند
و ایجاد کارخانه های نوچ و پوچ و بیج
و اسقاخه ایانزی برگزیده های راهی برای
و طبله بالک منتهی است

با مقابله کلی زمین های گردستان
بلکه ایجاد راهیا بسته هر وسائل
ماهی و پسوردی مربوط میگردند اینجا
موده از ارومیه بدر بر اینجا به همین
قاله گردید و چنان دست و لام
وقت چنان رهیت را ایول کند.

دسته بین این بروجع توشن
صورت سار و داده بیز تقاب های
مینهود

اداره دایرپژویی مقداری مواده اند
هر گاه ناسیت چندیه فلاحتی
هرگز از گردستان خلاص برای این طلاق است
زرات نهاد و اقامه پوروز کرد و در
پاک شده قدری از انتصب گران فروشی
کسب نمایند و پیغام خواهند داده
مالک باید جز این داشته باشد از

از اطراف بپاری و هوام خواهی
او طراح خراب میگردند و مطالعه
باری با امریک میشوند و دسته ایان
آن کم منعکس میگردند
موده توچه مالک باید از این ماقام
حوالی خانه بر ایلان گردستان میگردند
اگر بعدها در اوضاع مالی رعایا و
تیرگانی بگردند و آن را در اداره میگذری
برای این خواهند داشت که این طلاق است
گردستان بپرسیه بچانمه میگردند
طلاق ملعم شد و قوه خاصی از دستورات
هزاره ایان داشتند این میگردند

هر گاه ناسیت چندیه فلاحتی
همچنان از گردستان بگردند و مطالعه
اورای گردانهای شنیده شده اند
دوستی مناسب و توانم باید برای گرام
صیحه و تدویی بیون تأمیل اینها
میگردند

دو چنگهای شرقی گردستان
که مخصوص روزات بیست و هشت کارهای
قدکاران باید این ایان را در اداره میگذری
خوب باید آن باران از بیزد دیگر
میشوند

تیه نهاد که اینه در گردستان
امروزه متمادلو بیست و هشت بیان
متفق در پاری چنگل و میخ و پیشی
مطالعه اینه ایانهای بپرسیه
که اینه ایانهای بکار گردند
که اینه ایانهای بکار گردند
که اینه ایانهای بکار گردند
که اینه ایانهای بکار گردند

انقلاب ایانهای خانه های میگردند
شام که ایانهای خانه های میگردند
در از طرف مالکان دارا نا با
شام که ایانهای خانه های میگردند
سازمان و ایانهای خانه های میگردند
که اینه ایانهای بکار گردند
که اینه ایانهای بکار گردند

هل پیش خبره و پیشرس دادن بول
و انسان بورد از این طرف که ایان
سود سکنی از طرف که ایان
هرچهاری بچانمه بچانمه همینه همان پیش
هایان پیش خوش بیانه ایانهای
را پیشراست ایانهای خانه های
ایران اینه ایانهای خانه های
صیحه و اسوانی باید صورت گیرد
دلت ایانهای خانه های میگردند
تلاق تراویه در میان ایانهای خانه های
پیشراست ایانهای خانه های میگردند

اینکه کوکه ایانهای خانه های میگردند

کوچکان

بهت بانوان گرد

یا آزمایشگاه در سنجاق ایجاد خواهد شد

زنه است کس کسی که در دیارش
سانته خلیل به پادگارش

روز یکشنبه ۲۳ / ۵ / ۲۰ روزی
طرف باو نعمت‌الله آف و زیری
او دلان دعوی از باوان کرد به محل

آمد.

پس از اینکه مهندس کریم از باوان
حضور بهم و زبانی را می‌خواسته باش

شین نظر پیار می‌باشد و مصلی برپا
گردید و مرحوم قاتل را به کردستان

را شنید و مخصوصاً تاکه دادن که
در این میوه چون پهادت و طبله کله

که اراده این است که میانه همکاری
کنکه نواده، تا سایلی که بتوان هم

ولایت ما آنچه کردستان را به این نظر
فرام آورد و یکی از این وسائل از میانه همکاری

آنچه که میانه همکاری کردش را در
نشیش پیاری کله خواهد داشت.

آنکه ای از ساخته همکاری طرف
کار آزمایشگاه و ای ایهه موادی فیاض

بیان کرد که خلاصه سوده که باوان در
این امر پیشنهاد شده مردانه باشد و این که

که مقدور باشد کله مالی کنند
نارسایه میم آوری کله و میانه همکاری

از میانه همکاری بداری خواهد
که ای از ساخته همکاری طرف

او دلان دعوی که با اینهه میانه همکاری
این امر که خلاصه سوده که باوان در

ای که مقدور باشد کله مالی کنند
نارسایه میم آوری کله و میانه همکاری

از میانه همکاری بداری خواهد
که ای از ساخته همکاری طرف

باو نعمت‌الله آف و زیری
او دلان دعوی که با اینهه میانه همکاری

میانه همکاری که باوان در این نظر
خواهد داشت که ای اینهه میانه همکاری

برداشت پرده در این دعوه نیزه
دند که ای اینهه میانه همکاری کرد و با پیاده

آزمایشگاه چل جل پایش

پس از این نظر مصلی و مژتر ایشان
دوامی مدعون یعنی وی در عین هله

در حکم خواهی در میانه همکاری طرف
باوان حاضر در میانه همکاری از اینهه میانه همکاری

که توانسته بودند میور به دادن
هر یعنی مایل ملاحظه ای تمهی کرد
و پیدا نهیت بودند در حکم خواهی در میانه همکاری

هزار دیاری که باوان در این نظر
درین ای ایهه میانه همکاری کرد.

که ای اینهه میانه همکاری ای که در اینهه میانه همکاری
خواهد داشت که ای اینهه میانه همکاری

دست چشمی کرد و کردستان را به اینهه میانه همکاری
بوجه میم آوری شده سایه همکاری

در بیانهه میانه همکاری

کوچکان

موضوع حمل و نقل کردستان

با ون مرتب حمل و نقل کله بسویه
پیشتر به کرستان وارد شده و در

تیغه زیادی پیش و ایجاد رفاقت نشانی
در فرع وجود خواهد آمد.

اما ای هر هفت نفوذ و وضع
حمل وقاً، چنان است که کنکه
تاسیس شود و ایوبیوس سواری شریه ای
و کابون و ایوبیوس سفارت پین همان و کردستان

دواده سفارت و سنتیم و مطقتی که بتواند
را تائی نشاند و روزانه بین در میانه همکاری
موجود بیست.

میانه همکاری بین ایوان پیشنهاد پرسه
موده و در وقت مین پیشنهاد پرسه

این سرویس مسافتی طرق خواهد کرد که
این سرویس مسافتی طرق خواهد کرد

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت
تیغه پیش نیواده و مطقتی که بتواند

بود که ایجاد ایشان را با این نظر
پس از وصول ساراد خوش بیرون

و ایجاد ایشان را خواهد ساخته ای
پیشنهاد که تیغه ایشان را که کله

پیشنهاد که تیغه ایشان را که کله
پیشنهاد که تیغه ایشان را که کله

پیشنهاد که تیغه ایشان را که کله
پیشنهاد که تیغه ایشان را که کله

از تیغه ایشان را که کله خواهد
کردستان و ایجاد رفاقت و ایجاد ایشان

بینه بیش نیواده و مطقتی که بتواند
پیشنهاد که تیغه ایشان را که کله

پیشنهاد که تیغه ایشان را که کله
پیشنهاد که تیغه ایشان را که کله

پیشنهاد که تیغه ایشان را که کله
پیشنهاد که تیغه ایشان را که کله

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت
که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت

که کله آمد و وقت کردستان و ایجاد رفاقت